



جبران خسارات جنگی

ولادیمیر پوتین به تاریخ ۱۳ اکتوبر ۲۰۲۲ در کنفرانس "اعتماد سازی در آسیا" منعقدۀ پایتخت قزاقستان دستش را بلند کرد و گفت: «ما فراموش نمی‌کنیم تا خسارات که به افغانستان طی تمام سال‌های اشغال رسیده، جبران گردد...» صحبت از "خسارت" به افغانستان جنگزده و ویران، چه فتنه‌ای در عقب خود پنهان دارد، فهمیده نمی‌شود که این آقا به چه منظوری این موضوع خیلی عمده و جدی مربوط به حقوق مردم افغانستان را به یاد آورد...؟! ولی آیا پوتین خوب حرفش را سنجیده زده است، واضح است مخاطب او در این گفتار امریکا، متحدان غربی آن و ناتو اند، اما دست بلند شده پوتین برای حق ادعای خسارات به مردم ستمدیده افغانستان، نخست از همه گریبان خود روسیه فدراتیف را می‌گیرد که بر طبق اصول بین‌المللی و به تأیید و تصدیق مقامات و ارگان‌های باصلاحیت خود روسیه فعلی، این کشور "وارث تمام معاملات، قرارداد‌های دوجانبه، چندجانبه و مسئول اقدامات و نتایج و عواقب اعمال و فعالیت‌های "اتحاد شوروی سوسیالیستی" سابق بوده و آنرا عهده‌دار می‌باشد. این درست است که ایالات متحده امریکا بعد از روسها، اشغالگر دومی افغانستان است و بدون شک صدمات و خرابی‌ها و ویرانی‌های وسیعی مادی و معنوی را به مردم و وطن ما وارد آورده است. اما دولت روسیه فدراتیف فعلی (روسیه شوروی سابق) با همدستان افغان خود، ریشه‌های اساسی و بنیادی زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی مردم ما را چنان درهم کوبید که زمینه را برای سیه‌روزی‌ها و فجایع بعدی فراهم ساخت.

در برپادی‌های پیهم افغانستان دست‌های خون‌آلود زیادی اعم از خارجی‌ها و داخلی‌ها دخیل بوده اند، اما واضح‌ترین و آشکارترین مقصران این برپادی‌ها همین دو قدرت استعماری - روسیه

فدراتیف فعلی و ایالات متحده آمریکا - در دوران اشغال کشور ما شناخته شده و بدون شک مسئول اند.

بحث اصلی این مقاله موضوع جبران و پرداخت عوضی خسارات وارده مادی و معنوی بر پیکر کشور و مردم ما در طی زمان اشغال، است که لازم بود در همان زمان وقوع خسارات، مواد و مدارک کافی و زنده جمع آوری و فهرست مشخص و دقیق آن ثبت و درج اسناد میگردد، ولی می توان نوعیت، اندازه و زمان محو و انهدام و نیست شدن آنها را به صورت نسبی سنجش نمود. عناوین و اسمای فهرست های خسارات وارده می توانند شامل این ارزش ها، داشته ها و دارایی ها باشند :

- **تلفات و خسارات انسانی شامل :** کشته شده ها، زندانی شده ها، شکنجه شده ها، قربانی بمباران ها، قربانی تجاوز های جنسی، صد ها هزار زخمی های دیروز که معیوبان امروزی اند، بیجا شده ها، متواری شده ها، ناگزیر شدگان به ترک وطن و خانه و کاشانه شان و...

- **خسارات و صدمات معنوی:** زیان ها و ضرر های که بر حوزه فرهنگ و وطن ما عاید گردیده است، کشتار روان شهروندان، شیوع امراض گوناگون روانی ناشی از ایجاد فضای رعب و وحشت استعماری، ترویج انواع گوناگون جرایم به سبب فقدان کار و زندگی عادی و معمول، شیوع فساد به اشکال متنوع آن. بی ثبات سازی دائمی کشور، حذف اعتبار و اعتماد مردم به همدیگر شان، سست گردانی باور های شهروندان، ایجاد بی باوری شهروندان به فردا و آینده کشور شان و...

- **خسارات و زیان های خیلی ها فراخ، وسیع و بی نهایت زیادی که بر پیکر مادی و اقتصادی افغانستان زده شده است:** صدمات فاحش بر ساختار اقتصاد ملی و سنتی کشور وارد گردیده، چندین بار زیر بناهای اساسی اقتصاد مملکت توسط همین اشغالگران و دست پروردگان شان تخریب و محو شده است، دارایی های عامه نیست گردیده و به یغما رفته است، در گرماگرم جنگ ها و اشغال، متجاوزان، دارایی های ما بخصوص منابع معدنی ما را به کثرت و وافر دزدیدند، به سبب عملیات نظامی باغ ها و اشجار قطع و بریده شده و مزارع بمباران گردیده و دشت ها، صحرا ها و زمین های زراعتی ما مابین گذاری شده است که هر سال تعداد کثیر مردم ستمدیده کشور قربانی کشت و جاگذاری انفجار این مابین ها می شوند، بی اطمینانی به امنیت و فردای سرزمین، مانع ترقی و سرمایه گذاری شده است، به علت حضور رقابت یک اشغالگر با قدرت های رقیب آن، مانع معاملات تجارتي و اقتصادی با آنها شده که خسارات متعددی را به بار آورده است. غارت و دزدی گاز طبیعی ما در دوران اشغال شوروی سابق و استثمار عریان منابع گازی ما، یکی از مواردی است که تأریخ

دوران استعمار در افغانستان آنرا به خاطر سپرده است، و صدمات زیاد دیگر اقتصادی که ممکن است ذکر آن از این قلم باز مانده باشد. به طور کلی افغانستان در طی این ۴۳ سال جنگ و چندین دهه اشغال، قربانی وحشتناک خسارات و زیان های وسیع و گسترده بوده که نسل حاضر و نسل های آینده از آن متضرر گردیده اند.

حال کدام ارگان و به چه صورتی موضوع دعوی دریافت خسارات ناشی از جنگ های تحمیلی - که بهتر است آنرا خسارات و زیان های ناشی از اشغال و تجاوزات مکرر بنامیم - طرح و درخواست دریافت تاوان و غرامت بنماید...؟ با تأکید بر این حقیقت که افغانستان عقب مانده و ضعیف هیچ وقتی یارا و اراده جنگ با کدام کشوری را نداشته و اما در طول این چهار دهه و اند قربانی اشغالگری های قوت های متجاوز بوده است.

دولت های افغانستان که در طی و جریان این اشغال ها در کشور حاکمیت داشتند، به دلایل گوناگون مانند مصائب ادامه جنگ در جریان اشغال، وجود اختلافات جدی میان حکمروایان، سکوت حاکمان در برابر بروز خسارات وسیع جانی، مالی و معنوی به سبب مصلحت های ایدئولوژیک، منافع شخصی و گروهی، حضور فساد و فساد پیشگان در حاکمیت و... کسی و حاکمیتی نه بر خسارات اعتراض نمود و نه ادعای اصولی و مؤثر و فعال برای جبران خسارات ناشی از جنگ را رویدست گرفته است و نه هم کدام دعوی را در مراجع ذیربط اقامه کرده است.

اگر شخصی هم در این مورد حرفی زده باشد، بیشتر به خاطر تخریب رقبای خود و چنه زدن ها با ارباب های برونی خواهد بود، تا یک حرکت مسئولانه به منظور حفظ حقوق شهروندان و توجه به منافع ملی کشور. در این جا واقعاً از یادآوری غرامت جنگی به طور ظالمانه ای استفاده ابزاری شده است.

بعضاً جبران خسارت های خیلی کوچک و غیر قابل یادآوری که از سوی امریکایی ها - به منظور ادفاع ذهنیت عامه جهان - برای برخی از افراد و فامیل های قربانی در افغانستان صورت گرفته اصلاً در برابر انبوه خسارات گسترده ای که بر پیکر کشور وارد شده، جداً قابل یادآوری نمی باشد، منظور از این جبران های کوچک خساره، صرف عوام فریبی و جهان فریبی بوده است.

در دوران جنگ مقاومت در برابر ارتش سرخ روسها، باری رهبری حزب جمعیت اسلامی (برهان الدین ربانی) با عده ای از اعضای حزب خود به مسکو سفر نمود که به گمانم در عین زمان رئیس حکومت مؤقت اسلامی افغانستان نیز بود.

افواهاتی به گوش میرسید که موصوف با اشاراتی از دریافت خسارات ناشی از تجاوز روسها چشم پوشی نموده باشد، زیرا روسها به زودی حاکمیت شان را به رسمیت شناختند.

باید واضح ساخت. بخشش و یا چشم پوشی از حق تقاضای جبران خساره و دریافت غرامت، در هیچیک از نظام ها از صلاحیت مقامات و مدارج مؤقتی و انتقالی نمی باشد. این صلاحیت متعلق به ارگان های انتخابی جمعی که توسط آرای مردم تعیین شده باشند و از قاطبه ملت نمایندگی کرده بتوانند و مردم به صداقت آنها نسبت به منافع همگانی کشور متیقن باشند متعلق است و این تصمیم جمعی بعد از تدقیق، اعلام و مورد اجرا قرار میگیرد، به این صورت بخشش خسارات ناشی از جنگ و تجاوز و چشم پوشی از آن در ید صلاحیت یک فرد نیست. لذا در این مورد هر ابراز توافق و تصمیم فاقد اعتبار حقوقی بوده و کوچکترین اهمیت را حایز نمی باشد.

طرز العمل ها و رویه های که در گذشته ها در مورد ادعا و تقاضای دریافت خسارات ناشی از جنگ و تجاوز به عمل می آمد، غالباً چنین تصویری را ارائه میدهد که کشور مغلوب و شکست خورده مکلف به پرداخت غرامت میگردید و جانب غالب در تثبیت غرامت نقش زیاد می داشت. ولی در دوران کنونی مسئله "جبران خسارات ناشی از جنگ" آهسته آهسته به سوی قاعده مند شدن میرود. جبران خساره جنگ و یا غرامت بر یک اصل تعهد بین المللی متکی است که می گوید: **"نقض یک تعهد متضمن تعهد پرداخت به غرامت است."** و **"یا نتیجه وجود مسئولیت، تعهد به پرداخت خسارت است"**.

حق قربانی آسیب دیدگی برای دریافت غرامت و وظیفه طرف مسئول جبران خسارت، برای پرداخت غرامت می باشد.

جبران خسارت جنگی و یا غرامت عبارت از پرداخت عوضی و یا تاوان خسارات وارده ای است که به اثر جنگ و یا تجاوز توسط جانب مسئول و یا مقصر و یا متجاوز و مهاجم بر کشور و اتباع و دارایی های طرف متضرر وارد شده است. معمولاً این جبران خساره با پول نقد پرداخت می شود، انواع دیگر جبران خسارت استرداد دارایی ها، ترمیم خرابه های جنگ در اصطلاح انگلیسی War reparations، یاد شده که جبران خساره را نیز به همین ترم مسما نموده اند - در این حالت مفهوم "ترمیم" خیلی عام و وسیع تعبیر می یابد؛ ترمیم به معنی علاج خرابی ها، برگرداندن حالت اطمینان از دریافت ارزش های ویران شده و...

علاج و معالجهٔ مصدومان و زخمی‌ها، تضمین عدم تکرار وارد کردن خساره و حتی اعادهٔ حیثیت و قبول تقصیر و خواستن عفو و پوزش هم در انواع جبران خسارات جا داده شده‌اند. اما واگذاری کدام قطعه زمین و ملک غیر منقول به حیث جبران خساره ممکن نمی‌باشد.

در اسناد حقوقی بین‌المللی موارد آتی را نیز شامل محتوای حق جبران خسارت میدانند:

- اقداماتی که برای "بازگرداندن قربانی به وضعیت اولیه قبل از وقوع تخلفات فاحش" انجام می‌شود و می‌تواند شامل: احیای آزادی، برخورداری از حقوق بشر، هویت زندگی خانوادگی و تابعیت، بازگشت به محل اصلی سکونت، احیای شغل و اعادهٔ مال باشد.

- جبران خسارت - تأمین خسارت "برای هرگونه خسارت قابل ارزیابی اقتصادی، متناسب و متناسب با شدت تخلف و شرایط هر مورد". این آسیب‌ها شامل: آسیب‌های جسمی یا روحی، فرصت‌های از دست رفته، خسارات مادی و از دست دادن درآمد، خسارات معنوی، مخارج خدمات حقوقی، صحتی، روانی و اجتماعی است.

- آماده ساختن به- خدمات صحتی، روانشناسی، اجتماعی و حقوقی.

رضایت - اقدامات مختلفی که شامل توقف نقض و نقض حقوق بشر، حقیقت‌جویی، جستجو برای ناپدید شدگان، بازیابی و دفن مجدد بقایای بدن، تحریم‌های قضایی و اداری، عذرخواهی عمومی و بزرگداشت و یاد و بود، است.

-تضمین تداوم اصلاحاتی که از سؤ استفاده و تخلفات در آینده جلوگیری می‌کند، از جمله: کنترل غیرنظامی نظامیان و نیروهای امنیتی، تقویت یک دفتر عدالت خواهی مستقل، حمایت از خدمات ملکی و کارگران حقوق بشر.

-ارتقا کلی استاندارد های حقوق بشر و ایجاد روش های کار برای جلوگیری و نظارت بر تعارضات اجتماعی و حل تعارضها.

میرهن است که هرگونه پرداختی به حیث جبران خسارت و غرامت پذیرفته نمی‌شود؛ تادیاتی که عناوین "بشردوستانه" دارند و در ساحات امداد به آسیب دیدگان فقر و عوارض جانبی جنگ و بحران پرداخته می‌شود. پرداخت های که در ظاهر نام دیگری دارد، ولی جهت تطبیق و اجرای ستراتیژی های دول "دونر" به مصرف میرسند. تادیاتی که قیمت و یا بازپرداخت معاملات معین اند. تادیاتی که در ازای طلبات دولت مدعی غرامت پرداخته می‌شود. وجوهی که از سوی دونر ها به نام "کمک و امداد و معاونت" داده می‌شود. و سایر پرداخت های که اصولاً ماهیت و منشأی دیگر داشته باشند.

نمی توانند به حیث جبران خسارات ناشی از جنگ محسوب گردند، مگر آنکه جانب متضرر آنرا به حیث باز پرداخت جبران خساره قبول نماید.

غرامت ناشی از جنگ و تجاوز باید متناسب، معقول، منصفانه و عادلانه ناظر به اندازه و مقدار خسارات و ضرر های باشد که به کشور متضرر وارد شده است و این غرامت زیر عنوان "غرامت" تادیه گردد. عنوان و اسم غرامت به منظور رعایت وقار دولت مقصر - به موافقت کشور مدعی غرامت - زیر عنوان دیگری که مقصد تادیه غرامت را افاده کرده بتواند، پرداخت شده می تواند. در حال حاضر دعاوی تقاضای جبران خساره ناشی از جنگ و تجاوز با رجوع به دیوان جزایی بین المللی و طی دوران دعوی در آنجا به عمل می آید. گرچه ایجاد "UNCC" (کمیسیون خسارت سازمان ملل متحد - که شعبه ای مربوط شورای امنیت آن سازمان است و در سال ۱۹۹۱ ایجاد گردیده است و یک مرجع کمتر قضایی شناخته شده است.) جهت رسیدگی به معضلات غرامت جنگی نیز تأسیس شده است ولی این کمیته، کمتر ماهیت قضایی و بیشتر موقف یک ارگان تصفیوی را خواهد داشت، بدین لحاظ دو ماده اساسنامه "ICC" (دیوان جزایی بین المللی) که به موضوع جبران خسارات و غرامت جنگی رابطه میگیرد در اینجا تذکر می یابد:

ماده ۷۵ اساسنامه دیوان جزایی بین المللی در زمینه چنین مقرر کرده است :

«جبران خسارت قربانیان

۱- محکمه مکلف است شرایط مرتبط به پرداخت توان، یا در ارتباط با قربانیان را برقرار کند، از جمله: استرداد، پرداخت غرامت و اعاده حیثیت از آنها. بر این اساس، محکمه می تواند در مواقع استثنایی یا بر حسب درخواست یا به صلاح دید خود، حدود و گستره هرگونه خسارت، تلفات و صدمات به قربانیان یا مربوط به قربانیان را در حکم صادره برآورد کرده و اصولی که بر مبنای آن عمل خواهد نمود را مشخص سازد.

۲- محکمه می تواند مستقیماً علیه شخص محکوم، حکم صادر کند و در آن جبران مناسب خسارت نسبت به قربانیان یا مربوط به آنان را از قبیل استرداد، پرداخت غرامت و اعاده حیثیت، مشخص نماید.

در صورتی که مناسب باشد، محکمه می تواند دستور دهد که پرداخت غرامت از طریق صندوق امانات که در ماده ۷۹ مقرر گردیده صورت گیرد.

۳- پیش از صدور رأی مطابق این ماده، محکمه می تواند نمایندگان شخص محکوم، قربانیان، دیگر افراد یا کشورهای مرتبط با قضیه را دعوت نموده و دیدگاه های ایشان را در نظر بگیرد.

۴- محکمه در اجرای اختیارات خود مطابق این ماده، می تواند پس از آنکه شخصی به جرمی که در حوزه صلاحیت محکمه است محکوم شده، تعیین نماید که آیا به منظور لازم الاجرا شدن حکمی که ممکن است مطابق این ماده صادر شده باشد، لازم به اقدام مطابق ماده ۹۳ بند ۱، است یا خیر.

۵- کشور عضو باید حکم صادره بر اساس این ماده را لازم الاجرا بداند، درست مانند اینکه مقررات ماده ۱۰۹ شامل حال این ماده بشود.

۶- هیچ بخشی از این ماده نباید طوری تفسیر گردد که به حقوق قربانیان مطابق قوانین داخلی و حقوق بین الملل لطمه بزند.»

ماده ۸۵

«جبران خسارت وارده به شخص دستگیر یا محکوم شده

۱- هر شخصی که قربانی دستگیری یا بازداشت غیرقانونی بوده است، از حق مسلم دریافت غرامت برخوردار خواهد بود.

۲- اگر شخص در مرحله نهایی به یک تخلف جنایی محکوم شده باشد و سپس به دلیل وقوع وقایع جدید یا کشف اخیر یک سلسله واقعیات که نشان دهنده عدم اجرای عدالت هستند، محکومیت وی باطل گردیده باشد، شخصی که در نتیجه این محکومیت مجازات گردیده است باید مطابق قانون غرامت دریافت نماید، مگر آنکه اثبات گردد که وی در عدم افشاء واقعیت های مجهول در زمان محاکمه، کلاً یا بعضاً مقصر بوده است.

۳- در شرایط استثنایی اگر محکمه به واقعیت های قطعی دست یابد که نشانگر وقوع آشکار و جدی بی عدالتی بوده است، محکمه می تواند بنا به صلاح دید خود بر طبق معیارهای تصریح شده در این اصول اجرایی و ادله اثبات دعوی به شخصی که به دنبال صدور رأی مبنی بر تبرئه یا اختتام مراحل محاکمه از بازداشت آزاد گردیده است، به این دلیل، غرامت پرداخت نماید.»

در اساسنامه مذکور ادعای غرامت بر موقعیت مدعی، منوط دانسته نه شده است، یعنی مثل سایر دعوی، مدعی مکلف به اثبات ادعای خود می باشد، وجود ظن تقصیر مدعی علیه در دعاوی تقاضای غرامت، عنصر اساسی پذیرش دعوی خواهد بود، در این صورت در پایان هر جنگی طرف های متضرر می توانند، دعوی تقاضای غرامت را به راه ببیندازند و حتمی نیست که مدعی دریافت غرامت برنده و یا بازنده جنگ باشد و متقابلاً مدعی علیه که مکلف به ایفای غرامت و استرداد

دارایی های تخریبی دانسته می شود، موقعیت برنده و یا غالب را در جنگ داشته باشد، چنین استنباط می شود که آنچه اهمیت نخستین دارد، اثبات تقصیر جانب مدعی علیه در این دعوی است.

یکی از دلایلی که پرداخت غرامت به دوش مغلوب را منتفی خواهد ساخت این است که در دوران کنونی اثبات دقیق جانب مغلوب خیلی هم ساده نیست، زیرا بیشتر جنگ ها و مخاصمات بر طبق توافقات و قرارداد ها پایان می یابد که در آن تذکری بر شکست و بُرد جوانب به عمل نمی آید، به همین سبب دولت ها در دوران معاصر سعی میکنند، جنگ ها را با کدام توافق خاتمه دهند که شاید مستور نمودن موقعیت شان (شکست خوردگی و یا کتمان تقصیر) در این نیت مطمع نظر باشد.

در گذشته شاید جانب مغلوب حتی در توافق و قرارداد صلح و ختم جنگ شکست خود را می پذیرفت و بناءً پرداخت غرامت را نیز در آن توافق متقبل می گردید در آن زمان موضوع تقصیر و جانب مقصر کمتر مدنظر قرار می گرفت حتی در پایان جنگ و اشغال عراق (۱۹۹۰) توسط امریکای اشغالگر، عراق در توافقش با کویت، بر اساس قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل، که مسئولیت مالی عراق را در قبال خسارات وارده در حمله به این کشور اعلام کرد (UNCC) تأسیس شد و ادعاهایی بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار توسط دولت ها، شرکت ها و اشخاص نزد آن ثبت گردید و ادعاهای جبران خسارت را به مبلغ ۵۲,۴ میلیارد دلربه تقریباً ۱,۵ میلیون مدعی موفق، پذیرفت و تا جولای ۲۰۱۹، ۴۸,۷ میلیارد دلار پرداخت شده است. مفسران را عقیده بر این است که تعیین و تحمیل این غرامت بر عراق عادلانه نبوده است.

از سوی دعاوی اثبات این غرامت ها توسط UNCC یا کمیسیون خسارت سازمان ملل متحد رسیدگی و تثبیت شده بود که یک مرجع کمتر قضایی تشخیص می شود.

در نتیجه باید خاطر نشان ساخت که سکوت در این مورد و اغماض و چشم پوشی از در یافت خسارات ناشی از جنگ و غرامت جنگی، نقض صریح حقوق نسل دیروز، امروز و مخصوصاً نسل آینده کشور می باشد که آنان از حقوق حقه شان (میراث مادی و معنوی اجداد و وطن شان) محروم می شوند.

طرح دعاوی دریافت جبران خسارات و دریافت غرامت، پشتیبانی از این دعاوی و تشویق متضرران و قربانیان ناشی از خسارات جنگی در کشور ما که چند بار مورد تجاوز قرار گرفته است یکی از مسایل مهم و جدی وطن شمرده می شود که گشودن طرق ساز و کار های جهت به دوران قراردادن آن را ایجاب می کند، این طرق و ساز و کار ها، زمینه تحقق حقوق همگانی مردم ستمدیده ما را فراهم می سازد و حکومت، شرکت ها، مؤسسات، دستگاه های تولیدی، افراد، کارگران زارعین

و... همه متضرران به دارایی ها و ارزش های تخریب شده شان به اندازه نسبی دست خواهند یافت و دریافت های که به حیث جبران خسارات به دست می آیند نقشی در پیشرفت و تقویة اقتصاد ملی و رفع نسبی فقر متمر خواهد بود و قسماً زخم ها و رنج های وارده به اثر تجاوز را تا حدودی التیام خواهد بخشید.

این اصل را نیز نباید فراموش کرد که طرح و تلاش و پافشاری روی دریافت جبران خسارات جنگی و خسارتی که نه به اثر جنگ، بلکه به علت تجاوز قوت های نظامی خارجی (روسیه و امریکا) بر وطن و مردم ما تحمیل شده است، محک مهمی بر درجه ملی بودن حکومت هم شمرده خواهد شد.

پایان